حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#فاضلاب_روباز
مظفری از تهران:
جوی‌های فاضلاب ۱۵متری سوم در افسریه جنوبی هنوز سرپوشیده نشده است. چرا؟ این درحالی است که بقیه محلات در افسریه و حتی طرف دیگر این خیابان نیز سرپوشیده شده است.

#گلایه_مسکن
قاسمی از تهران:
قیمت مسکن بیش از سه برابر شده وهیچ حمایتی از مردم بابت خرید خانه صورت نمی‌گیرد. حضور دلالان در بازار مسکن و نبود نظارت در بحث قیمت‌گذاری علل اصلی این افزایش قیمت است.

#لویزان_دست‌انداز
مبارکی از تهران:
معابر خیابان شهید رحیمی‌پور لویزان و شهرك ولیعصر دست انداز و چاله‌های بسیار بزرگ و فراوان دارد که کندی تردد را به همراه دارد.

#سگ_بی‌صاحب
دیبا از تهران:
در شهر جدید هشتگرد سگ‌های بی‌صاحب ، باعث سلب آسایش و رعب و وحشت ساکنان شده به طوری که صبح‌ها دانش‌آموزان با ترس به مدرسه می‌روند.

#مالیات_خانه خالی
بایرامی از تهران:
چند سالی است مدام خبر مالیات بر خانه‌های خالی منتشر می‌شود، اما در عمل هیچ اقدامی در عملیاتی کردن آن صورت نمی‌پذیرد. امیدوارم با جدی گرفتن این موضوع، حمایتی اساسی از مستاجران شود.

#نابسامانی_خودرو
بوکایی از تهران:
قرار بود با فروش فوری خودرو، دست دلالان از بازار کوتاه شود که به‌دلیل نبود شفافیت و نحوه فروش نه‌تنها قیمت‌ها کاهش نداشت بلکه افزایش نیز داشت.

جوابیه

در پی درج پیامی در ۷ خرداد ۱۳۹۸ با عنوان «مترو - موزاییك» مشاور مدیرعامل و مدیرارتباطات و اموربین‌الملل متروی تهران و حومه با ارسال نمابری اعلام کرد: به اطلاع می‌رساند رسیدگی به فضای بیرون از ایستگاه متروی جوانمرد قصاب و نیز مشکل موزاییك‌های مورد اشاره، مربوط به شهرداری منطقه ۲۰ ناحیه ۲ است و در این‌خصوص مکاتبات لازم توسط شرکت بهره‌برداری متروی تهران انجام شده است.

در نقاط بیابانی و نیمه‌بیابانی چطور می‌توان ثروت‌زایی کرد؟

در جست‌وجوی گنج

عیسی محمدی
جامعه

اگر قرار بود ماجرای ثروت‌زایی، ثروت‌آفرینی و کارآفرینی فردی و جمعی و ملی مربوط به جاهای خوش آب و هوا و چشم‌نواز و پرنعمت باشد، امروزه قاعدتا نباید نشانی از یزد، کرمان، بجنورد، سمنان، بندرعباس، بوشهر، زاهدان و... به جا می‌ماند. حقیقت این است که انسان، همان‌طور که از دنیای اطرافش اثر می‌پذیرد، می‌تواند بر آن هم اثر بگذارد. ما نه آن‌قدر ساده‌اندیش هستیم که همه چیز را به جبر و اجبار واگذار کنیم؛ نه آن‌قدر ساده‌لوح که تصور کنیم اراده بشری، یعنی همه چیز. به چیزی در این میانه اعتقاد و باور داشته و داریم. در مورد کارآفرینی نیز چنین است. حتی در دل گرمای سوزان و زمین‌های بی‌آب و علف هم می‌توان خلق کرد و زیبا ماند و زیبا زندگی کرد. حالا که روز مقابله با بیابان‌زایی از راه رسیده، بد نیست چند کلامی در این مورد صحبت کنیم.

نگاهی که باعث تغییر شد

قبل از شروع راهکارها، البته بد نیست چند کلام کلی‌تر صحبت کنیم. اولین نکته مهم را می‌توان در تجربه مهم و جالب کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دانست. بد نیست بدانید دبی، طی سال‌های گذشته موفق شد حتی از حیث جذب گردشگر از نیویورك و پاریس هم سبقت گرفته و اولین شهر جهان از این نظر لقب بگیرد. یا در مورد تایوان، جزیره‌ای بی‌آب و علف با زمین‌های صخره‌ای بدون امکان کشاورزی نیز چنین اتفاقی افتاد. اما چرا چنین کشورهایی به این‌طور جایگاهی رسیده‌اند؟ جالب است بدانید که وضعیت زیست‌بومی کشورهای جنوب حاشیه خلیج‌فارس حتی در حوزه سواحل این خلیج از کشورهای شمال آن که ایران و عراق باشند، بدتر و وخیم‌تر است. اما صرفا یك نگاه، باعث شد تا همه چیز تغییر کند.

جذابیت، ساختنی است

یکی از مهم‌ترین دلایل پیشرفت اقتصادی امارات متحده عربی و قطر، نگاه متولیان این کشورها بوده. آنها معتقد بودند جذابیت، ساختنی است و به‌دست آوردنی؛ نه وجود داشتنی. با چنین نگاهی بود که شروع کردند به ساختن جذابیت‌هایی برای مناطق بی‌آب و علف‌شان که جز دریا و ماسه‌زار نداشته و ندارند. آنها به مرور زمان، برای خودشان این جذابیت‌ها را تعریف کرده و شروع به ایجاد زیرساخت‌های مختلف کردند.

این امر در حالی اتفاق افتاد که بخشی از کشورهای دیگر، از جمله کشور خودمان ایران، از حیث دارایی‌های معدنی، طبیعی، انرژی و ...، در وضعیت بسیار بهتری قرار داشتند.

همه این حرف‌ها را گفتیم تا به این نتیجه برسیم: در مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی ایران نیز می‌توان با چنین نگرشی به پیش رفت و پیشرفت را تجربه کرد. این‌که جذابیت‌ها ساختنی هستند و نسبتی با دارایی‌های طبیعی ندارند؛ هرچند که داشته‌های طبیعی می‌توانند آنها را تقویت کنند. اما اگر شما درگیر زندگی در کویر و بیابان هم بودید، باز هم امکان پیشرفت و توسعه وجود داشته و دارد. اگر این را قبول ندارید، کافی است نگاهی به تایوان و امارات متحده عربی، قطر و ... بیندازید؛ همین.

استفاده از انرژی بی‌پایان خورشید

اما سوال بعدی اینجاست که در دل کویر و بیابان، چه کار می‌توان کرد؟ شاید این سوال برای کسانی که درگیر این حوزه‌ها نبوده‌اند، کمی عجیب به نظر برسد. اما متخصصان کارآفرینی معتقدند کویر و بیابان نیز می‌تواند منبع ثروت‌آفرینی زیادی باشد. اما چطور؟ مهم‌ترین نکته‌ای که تازگی‌ها در این حوزه‌ها مورد بحث و توجه قرار گرفته، بحث انرژی است. ایران، کشوری غالباً نیمه‌خشك و حتی خشك دانسته می‌شود؛ به‌طوری که دوسوم آن را بیابان تشکیل می‌دهد.

به همین دلیل انرژی خورشیدی در آن به فراوانی وجود داشته و دارد. خلق انرژی از نیروی خورشید، بخشی از رویکردهای کارآفرینی در عصر ما محسوب می‌شود. البته کشور ما از حیث انرژی‌های فسیلی تقریبا کشور اول جهان است. اما نکته اساسی اینجاست که چنین انرژی‌هایی تجدیدناپذیر محسوب می‌شوند؛ اما انرژی خورشیدی همیشه و همه‌جا وجود داشته و دارد. نکته بعدی هم آنجاست که از بحث فروش نفت و گاز، با عنوان «خون‌فروشی» یاد می‌شود. یعنی شما به واقع دارید مهم‌ترین واحد پیکره اقتصاد خودتان را می‌فروشید؛ آن‌هم با قیمتی بسیار پایین. در حالی که همین سوخت‌ها، توسط کشورهای پیشرفته تبدیل به محصولات دیگر شده و با ده‌ها برابر قیمت اولیه به فروش می‌رسد.

پس در این میان، انرژی خورشیدی یکی از بهترین گزینه‌هاست. البته هنوز در ایران حمایت‌های لازم از این حوزه به خوبی صورت نگرفته. سود مشارکت در این حوزه هم ۲۰ درصد در سال تعیین شده؛ یعنی سرمایه‌ای که صرف این کار شده، پنج ساله بر می‌گردد. ضمن این‌که مواد مورد نیاز هم برای این کار گران است؛ که البته با نوآوری‌هایی که در این زمینه انجام شده و می‌شود، این مشکل در حال حل شدن است.

در حال حاضر بخشی از روستاییان، به صورت حاشیه‌ای از پنل‌های خورشیدی برای تأمین برق مورد نیاز خود استفاده می‌کنند و گروهی دیگر نیز تمام‌وقت با این پنل‌ها اقدام به تولید برق و فروش آن به وزارت نیرو می‌کنند.

طبیعت بی‌تکرار کویر

از مهم‌ترین کارکردهای دیگر مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی می‌توان به کارکرد گردشگری و توسعه توریسم اشاره کرد. در حال حاضر، تورهای گردشگری زیادی به‌منظور کویرنوردی و کویرگردی و اقامت در کویر و بیابان طراحی شده. این امر در روزهای سرد زمستانی، البته جذابیت‌های بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه از حیث آب و هوایی، زمان فوق‌العاده‌ای برای استفاده روزانه از این مناظر است.

اما در طول سال، این مناطق جاذبه‌های خودشان را دارند. در حال حاضر، استفاده از نقاط کویری استان تهران، کویر مرنجاب و نقاط کویری کاشان، اطراف کرمان، طبس و... جزو گزینه‌های مناسب این حوزه محسوب می‌شوند. حتی سواحل بی‌نظیر بیابان - ساحل که در آنها بیابان بدون هیچ مانعی به دریا می‌رسد، در استان سیستان و بلوچستان، جزو بکرترین گزینه‌ها هستند.

واحه‌های سبز اطراف کرمان و دیگر بیابان‌ها نیز، گزینه‌های مناسبی برای این منظور هستند. امکان شترسواری، آفرودسواری در شن و ماسه‌های کویر، پیاده‌روی در این مناطق، بازدید از دریاچه‌های نمك مناطق بیابانی و... از جمله جاذبه‌هایی است که برای نقاط بیابانی و نیمه‌بیابانی می‌توان در نظر گرفت. ایجاد خانه‌های بومگردی و گردشگری و کمپ‌ها و ... از کارهایی است که در این حوزه انجام شده است.

شترها، شترمرغ‌ها و باقی دوستان

مورد بعدی که در کویرها و بیابان‌ها می‌تواند به تولید ثروت و کار منجر شود، بحث پرورش دام و طیور است. بخشی از این دام و طیور، اساساً به واسطه طبیعتی که دارند، مناسب چنین فضاهایی است. مهم‌ترین آنها شتر است. پرورش شتر جزو بهترین گزینه‌ها می‌تواند تلقی شود. شترها به واسطه انعطافی که نسبت به گرما و کویر و بیابان دارند، می‌توانند به راحتی در این مناطق دوام بیاورند.

بد نیست بدانید توان شیردهی شتر در مناطق بیابانی، چهار برابر گاو است! ضمن این‌که با کمترین میزان علوفه و... می‌تواند خودش را نگه دارد و مشکلی برایش نیاید. شترها به انواع دوکوهانه و تك‌کوهانه و نیز باری، شیری و گوشتی تقسیم می‌شوند. گزینه بعدی برای پرورش در نقاط بیابانی، شترمرغ است که مقاومت زیادی نسبت به خشکی آب و هوا دارد. البته شترمرغ‌ها نسبت به سر و صداهای ناگهانی حساسیت بالایی دارند و کویر هم که سرشار از سکوت است؛ پس چه چیزی بهتر از پرورش این حیوان در پهنه‌های ساکت بیابانی و نیمه‌بیابانی؟ شترمرغ حیوانی است که گوشت و پر و ... آن کارکرد داشته و می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. پرورش انواعی از بز، گوسفند و حیوانات دیگر نیز در نقاط مختلف کویری می‌تواند توجیه اقتصادی داشته باشد.

دیگر حوزه‌های باقیمانده و کمتر فکر شده

زندگی+

البته شغل‌هایی که در کویر و بیابان قابلیت عملیاتی شدن داشته باشند، تنها به این موارد محدود نیستند. به طور خلاصه، می‌توان به چند مورد دیگر هم اشاراتی داشت. از جمله استفاده‌های معدنی از این نقاط. بعضاً در تپه‌ها و کوهپایه‌های این مناطق، معادنی کشف می‌شوند که خود، هم باعث ایجاد ارزش‌افزوده‌اند و هم باعث ایجاد شغل و رونق اقتصادی برای این مناطق و البته تأمین مواد مورد نیاز برای صنایع دیگر. از این دست معادن کم نیستند. ضمن این‌که شن و ماسه و دیگر مواد تشکیل‌دهنده کویرها و نقاط بیابانی، می‌توانند در سوله‌ها و کارگاه‌های مختلف، کارکردهای صنعتی هم پیدا کنند. این موارد بستگی به میزان دانش و کیفیت دستگاه‌ها و همت کارآفرینان دارد. از دیگر داشته‌های کویر، می‌توان به صنایع دستی اشاره کرد. ساکنان نقاط کویری و بیابانی، خاصه زنان، به دلیل زمان فراخی که درگیرش هستند، امکان تولید صنایع دستی فراوانی را دارند. چنانچه بیشترین صنایع دستی ایران هم متعلق به مناطق کویری و نیمه‌بیابانی چون یزد و کرمان و اصفهان و ... است. جدا از این مباحث، گسترش زیرساخت‌های اینترنتی نیز به جوانان این حوزه‌ها امکان ایجاد استارتاپ‌های ریز و درشت را داده؛ درست مثل استارتاپی که چند بانوی یزدی برای مدیریت رانندگان ترانزیتی و کامیون‌های سنگین و نیمه‌سنگین راه انداخته‌اند.

بازخوانی یك تجربه موفق کارآفرینی در بیابان

عبدالزهرا وطن‌دوست، یکی از کارآفرینان ملی و تحسین شده کشورمان است که در حال حاضر به سختی در خاکریزهای صنعت و تولید، کار و تلاش می‌کند. اما چرا قصد داریم از این شخص صحبت کنیم؟ بنیانگذار گروه صنعتی پلیمر بوشهر، از افرادی است که کارآفرینی را در یکی از بدترین نقاط کویری و بیابانی کشور در استان بوشهر شروع کرده است.

به قول خودش، وقتی پا به این منطقه گذاشت، هیچ رفت و آمدی، به جز رفت و آمد محدود اهالی آن به چشم نمی‌خورد. وطن‌دوست البته جزو ایرانیان مقیم کربلا بود که توسط صدام و در زمان اختلافات مرزی با ایران اخراج شد و همه چیزش را از دست داد. او حتی مدت‌ها در کویت و لبنان هم کار می‌کرد و جزو تاجران سرشناس این مناطق بود.

اما چرا کویر؟ او ابتدای ورود به ایران، شروع به کار در ناصرخسرو کرد. مغازه‌ای هم خرید و کسب و کارش هم رونق گرفت، اما چون روحیه خودش را تولید و صنعت می‌دید، نه نشستن پشت میز در یك مغازه، رفت و شروع به راه‌اندازی کسب و کار کرد.

در این مورد می‌گوید: «در سال ۶۲ به‌جز خانه‌های محدود ساکنان روستا و مختصر رفت‌وآمد روزانه اهالی، نشان دیگری از تحرك و تلاش در آن مشاهده نمی‌شد. آفتاب چنان داغ و باد چنان سوزان بود که حتی ساکنان محل را هم به‌خروج از منزل بی‌میل و رغبت ساخته بود. هیچ بنایی به‌جز همان منازل روستایی که در گرمای تقریباً ۵۰ درجه از دور به‌اشباح متحرك می‌ماند، در سراسر خوشاب برازجان به‌چشم نمی‌خورد. در حیرت بودم که چرا به این منطقه با چنین آب‌وهوایی، خوشاب می‌گویند. جالب‌تر این‌که اسم روستای همجوار آن نیز خوش‌مکان بود. لحظه‌ای ایستادم و منطقه را برانداز کردم. از هر جهت موافق میل من بود. هیچ چیز جز بیابان و گرمای طاقت‌فرسا نبود. دیده برهم نهاده و تجسم کردم که اگر در این منطقه چندین کارخانه تولیدی احداث شود، جنب‌وجوش و سکوت وحشتناك این بیابان را خواهد شکست. چه رونقی خواهد گرفت، چقدر جوان مشغول به‌کار مفید خواهند شد. چه تأثیر شگرفی بر اقتصاد، رونق و آبادانی این منطقه خواهد گذاشت. چه زیبا و نشاط‌انگیز صدای کار دستگاه‌های تولیدی، جایگزین زوزه دلهره‌آور باد داغ خواهد شد. خدای را سپاس گفتم که بهترین فرصت برای خدمت به تأخیر افتاده به هموطنانم را به‌من عطا کرده است. با خدای خود عهد بستم که از هیچ کوششی برای تبدیل این منطقه به یك قطب صنعتی بزرگ فروگذار نکنم.»

و چنین بود که یکی از قطب‌های صنعت و تولید کشور، در این منطقه و البته بوشهر سر و سامان یافت؛ تا ثابت شود که این آدم‌ها هستند که به جغرافیا اعتبار می‌بخشند و نه برعکس؛ و این‌که حتی در دل کویر و بیابان هم می‌توان ثروت آفرید.